

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (1)

نه، قسم می خورم به روز قیامت. (1)

و لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (2)

و نه، قسم می خورم به نفس ملامت کننده. (2)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (3)

آیا می پندارد انسان آنکه هرگز نمی توانیم ما جمع استخوان های او را؟ (3)

بَلَىٰ أَقْدِرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسَوِّيَ بَنَانَهُ (4)

بلی توانایان بر آنکه برابر کنیم ما (به حالت اول بیاوریم ما) سرانگشتان او را. (4)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (5)

بلکه می خواهد انسان تا گناه کند (در وقت) پیش روی خود. (5)

يَسْتَأْذِنُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (6)

می پرسد چه وقت است روز قیامت؟ (6)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (7)

پس وقتی که خیره شد چشم. (7)

وَ حَسَفَ الْقَمَرُ (8)

و بی نور شد مهتاب. (8)

وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ (9)

و یکجا کرده شد آفتاب و مهتاب. (9)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (10)

می گوید انسان آن روز: کجا است گریزگاه؟ (10)

كَلَّا لَا وَزَرَ (11)

نه، هرگز نیست پناه. (11)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (12)

به سوی پروردگار تو است آن روز آرامگاه. (12)

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ (13)

خبر داده می شود انسان آن روز به آنچه پیش فرستاد و پس گذاشت. (13)

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (14)

بلکه انسان بر نفس خود حجتی است. (14)

و لَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ (15)

و اگر چه انداخت معذرت های خود را. (15)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ - (16)

مجنبان تو به آن زبان خود را تا شتاب شود به آن. (16)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (17)

هر آئینه بر ما است جمع کردن آن و قرائت خواندن آن. (17)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (18)

پس وقتی که قرائت کردیم ما آن را پس پیروی کن قرائت آن را. (18)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (19)

باز هر آئینه بر ما است واضح ساختن آن. (19)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (20)

نه، هرگز، بلکه دوست می دارید زنده گانی دنیا را. (20)

و تَذُرُونَ الْأَخْرَةَ (21)

و می گذارید آخرت را. (21)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ (22)

روی هائی آن روز شاداب و شادان. (22)

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ (23)

به سوی پروردگار شان نگرنده. (23)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (24)

و روی هائی آن روز درهم کشیده و عبوس. (24)

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (25)

گمان می کنند آنکه کرده می شود به آنها کمر شکنی. (25)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّزَاقِي (26)

نه، هر هرگز، وقتیکه رسید (روح) به جنبر گردن. (26)

و قَبِيلَ مَنْ رَاقٍ (27)

و گفته شد کیست افسون کننده (شفاء دهنده)؟ (27)

و ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (28)

و یقین کرد آنکه آن است جدا شدن (روح). (28)

و النَّفَقَاتِ السَّاقِ بِالسَّاقِ (29)

و پیچید ساق پای با ساق پای (دیگر). (29)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (30)

به سوی پروردگا تو است آن روز سوق دادن و روان کردن. (30)

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ (31)

پس نکرد باور و نخواند نماز. (31)

وَلَا يَكُنْ كَذَّابًا وَتَوَلَّىٰ (32)

ولیکن به دروغ نسبت کرد و رو گرداند. (32)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ (33)

باز رفت به سوی خانواده خود می کند تکبر. (33)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (34)

وای برای تو پس وای. (34)

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (35)

باز وای برای تو پس وای. (35)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (36)

آیا می پندارد انسان آنکه ترک شود بیهوده؟ (36)

أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ (37)

آیا نبود نطفه از منی که ریخته می شود (در رحم). (37)

ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (38)

باز بود خون بسته پس آفرید (خدا) پس برابر ساخت (اندام را). (38)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (39)

پس ساخت از آن دو جوره مرد را و زن را. (39)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (40)

آیا نیست این (خدا) توانا بر آنکه زنده کند مرده گان را؟ (40)

